

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۴ • ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ • ۲۶ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۱۸۹ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۸:۵۹ • اذان صبح فردا ۴:۰۴ • طلوع آفتاب ۵:۳۳

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

دولت و راه‌حل‌های عجیب درباره تولید برق



پویا نعمت‌اللهی

پاسخ به جنبه‌های فنی این قضیه همچون مدل قیمت‌گذاری، سرمایه‌گذاری‌های اولیه، موضوع انتقال انرژی و صدها و هزارها نکته دیگر نیازمند توضیحات کارشناسی و فنی همین متخصصان است. اما از نگاه عمومی‌تری نیز می‌توان به قضیه اشاره کرد. به طور کلی در ابعاد کوچک استفاده از این انرژی رواج دارد. مثلاً برق برخی چراغ‌های راهنمایی و رانندگی از طریق پنل‌های کوچک خورشیدی تامین می‌شود. در ابعاد خانگی نیز چندین سال قبل از سسوی وزارت نیرو فراخوانی به این منظور صادر شد ولی به‌تدریج به حاشیه رفت. آنچه استفاده از این انرژی را دچار محدودیت می‌کند، همانا نگهداشت تأسیسات مربوطه است. شاید بتوان به هر طریق ممکن برای تولید مزارع خورشیدی اقدام کرد. آیا فسنآوری کامل این انرژی در کشورمان بومی شده است؟ چه میزان از اقلام و تجهیزات و دانش فنی مربوطه باید از طریق منابع خارجی تامین شود؟

حتی اگر فرض کنیم که همین اکنون همه بخش‌های این حوزه در داخل تامین شود، ولی هنوز یک ابهام بزرگ وجود دارد. در کشور ما روزهای آفتابی زیادی وجود دارد. کویرها و بیابان‌ها طبعاً اولین گزینه بابت مکان احداث مزارع خورشیدی هستند. اما واقعیت آن است که هر آفتاب با هر شدت و

رئیس‌جمهور بهره‌برداری از ۱۳۰ مگاوات برق نیروگاه خورشیدی و کلنگ‌زنی نیروگاه‌های خورشیدی از ظرفیت ۲۹۵ مگاوات را به عنوان گام‌های اولیه برای رفع ناترازی قلمداد کرده‌اند. معمولاً مشکلات موجود در کشور ما وقتی به مرحله بحران می‌رسند، مورد توجه قرار می‌گیرند و انواع و اقسام کارشناسان هرکدام از منظر خود راه‌حل‌های گوناگونی ارائه می‌کنند. اکنون که مشکل برق شکل تهدیدآمیزی به خود گرفته، طیفی از راه‌حل‌ها با محوریت انرژی‌های تجدیدپذیر مطرح شده است. به طور کلی توجه به این نوع از انرژی‌ها نزد کشورهای توسعه‌یافته محدود به زمان خاصی نیست و همواره در همه مقاطع مورد توجه بوده و سرمایه‌گذاری‌های سنگینی برای توسعه تولید انرژی‌های تجدیدپذیر انجام می‌شود. در کشور ما طیفی از کارشناسان هستند که استفاده از انرژی خورشیدی را یکی از راهکارهای برون‌رفت از تنگنای تولید برق می‌دانند. ادبیات موجود نزد این دسته از کارشناسان همیشه یکسان است. مثلاً اینکه کشور ما به طور متوسط در هر سال فلان تعداد روز آفتابی دارد و همین می‌تواند دستمایه تولید برق از خورشید باشد. کار به جایی رسیده که اخیراً بحث بر سر این بود که بخشی از کویرها را به مزارع تولید برق خورشیدی تبدیل کنند تا از این طریق علاوه بر تامین نیاز داخل، نسبت به صادرات برق هم اقدام شود. به نظر می‌رسد این‌گونه اظهارنظرها تلاش دارند برای معضلات بزرگی چون ناترازی برق، یک‌سری راهکارهای ساده و دم‌دستی ارائه کنند. اینکه کشور ما یک کشور آفتابی است نیاز به تبیین ندارد ولی اینکه آیا می‌توان از این آفتاب برق هم تولید کرد، بحث دیگری است. طبعاً این‌همه کارشناس اقتصاد و انرژی و مهندس و متخصصانی که در این کشور کار و زندگی می‌کنند، باید به این فکر افتاده باشند که چرا از این انرژی خورشیدی برق تولید نمی‌شود؟

زمین‌خوانی

صداوسیما ودانشگاه؛ بسیار دور، بسیار بیگانه



مصطفی عباسی‌مقدم

معاون فرهنگی دانشگاه کاشان

با متغافل‌اند. دلیل دوم می‌تواند خلط مأموریت اطلاع‌رسانی و تبلیغی صداوسیما باشد. شکی نیست که علاوه بر مسئولیت خبری و آگهی‌رسانی که این ارگان دارد، مأموریت تبلیغی برای رساندن ندای حقیقی اسلام و ارزش‌های اصیل اخلاقی و تمدنی نیز بر دوش این رسانه است، چنان‌که امام راحل صداوسیما را یک دانشگاه می‌دانست. اما ملاحظات مهمی در اینجا وجود دارد: اولاً بی‌نیجه‌بودن این روش از کاهش روزافزون التزام بسیاری از آحاد جامعه به ارزش‌های مورد تأکید صداوسیما روشن شده است (که البته باید به طور جامع علت‌یابی شود) به طوری‌که به نظر می‌رسد در زمانه کنونی بیشتر مخاطبان صداوسیما ترجیح می‌دهند این رسانه فقط به وظیفه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی حرفه‌ای خود بپردازد و از نگاه تبلیغی به‌ویژه با جهت‌گیری ایدئولوژیک که گاهی جناحی هم می‌شود، دور شود.

ملاحظه دیگر اینکه اتفاقاً ترکیب مأموریت تبلیغی و اطلاع‌رسانی و به عبارت دیگر دخالت‌آم ایدئولوژی بر عملکرد رسانه، نیز ازجمله موضوعاتی است که باید با پژوهش‌های عمیق حوزوی و دانشگاهی و رسیدن به ابداع نظریه و دکت‌رین جدید، دستخوش تحول شود، وگرنه با این رویکرد، پافشاری این دستگاه با وجود شبکه‌های متعدد و صرف بودجه کلان، به بسط ارزش‌های دینی منجر نخواهد شد. دست‌کم چرا صداوسیما نمی‌پذیرد که کثیری از معتقدان در نظام و مخاطبان‌اش (با درصد بالایی از فرهیختگان و تحصیل‌کردگان) اگر حتی به لحاظ عرق ایرانی توجهی به این رسانه داشته باشند، تنها به سربال‌ها و برنامه‌های ورزشی توجه دارند و اخبار و تحلیل‌ها و مباحث فرهنگی و دینی را از منابع دیگر می‌گیرند؟

عجیب اینکه این رویکرد حذفی، گزینشی و جان‌جنگ‌نگر تنها نصیب دانشگاهیان نیست و حتی شامل بسیاری از نخبگان و حوزوویان می‌شود که آزاداندیشانه با مسائل به‌ویژه فقهی و حکومتی برخورد می‌کنند، و

۵ روز

رویتروز: یوری اسلیوسار، فرماندار موقت منطقه روستوف، اعلام کرد: آتش‌سوزی در پالاشاک «نوشاخینسک» همچنان ادامه دارد. این پالاشگاه دارای ظرفیت تولید سالانه پنج میلیون تن نفت است. به گفته فرماندار موقت، آتش‌نشانان از روز پنجشنبه در حال خاموش‌کردن آتش در این مجتمع پالایشی هستند که در نتیجه حمله پهپادی اوکراین آسیب دیده.

۶۰ درصد

وزیر کار، احمد میدری، اظهار کرد: وضعیت موجود برای ما خوشایند نیست. وضعیت بازار کار کشور از نظر تورم و بیکاری پذیرفتنی نیست. آنچه ما می‌توانیم انجام دهیم نیز محدودیت‌هایی دارد. برای مثال ما با افزایش ۴۵درصدی مزد و افزایش ۵۰ تا ۶۰درصدی حقوق بازنشستگان برای کاهش مزد و معیشت تلاش کردیم اما کسی نمی‌تواند از این اقدام دفاع کند.

طنزخوانی

ای استادان مهاجر، سفرتان سلامت‌ا ما...



آردین سیارسریرع

خبرآنلاین گزارش داده که رتبه دانشگاه‌های ایران در مقایسه با کشورهای منطقه روند نزولی داشته، به طوری که دانشگاه‌های عربستان از ایران پیشی گرفته‌اند. بعد با یکی از استادان دانشگاه تهران مصاحبه کرده و استاد محترم گفته: «یکی از دلایل افت دانشگاه‌های ایران کاهش تدریجی استقلال آنهاست. مثلاً اختیاراتی مثل جذب هیئت علمی از دانشگاه‌ها سلب شده است». یعنی ماجرا این‌چوری است که دانشگاه می‌گوید فلان استاد را برای هیئت علمی می‌خواهم، دوستان در جواب پاسخ می‌دهند: «این مسئله به شما چه ربطی دارد؟ ما خودمان اگر صلاح ببینیم جذب می‌کنیم اما فعلاً بنا داریم بیشتر دفع کنیم». استاد مربوطه در ادامه گفته عامل دیگری که موجب افت کیفیت دانشگاه‌ها شده، مهاجرت استادان است. حقوق استادان بسیار پایین است. مثلاً یک استاد تازه‌کار با مدرک دکتری، حقوقی در حدود ۲۰ میلیون تومان دریافت می‌کند که با یک حساب سرانگشتی می‌توان دریافت که اگر این استاد یک کار معمولی بکند، بیشتر درمی‌آورد. البته این جمله آخر را چون حس کردم مصاحبه‌شونده دارد نجات به خرج می‌دهد از خودم درآوردم. این بزرگوار در ادامه می‌گوید: «یکی از همکاران بعد از اخراج از دانشگاه به عربستان مهاجرت کرده و آنجا حقوق ۱۳ هزار دلاری می‌گیرد و بودجه پژوهشی یک میلیون دلاری برای تجهیز آزمایشگاه در اختیارش قرار داده‌اند». عالی شد واقعاً. دوستان قبلاً نخبگان را راهی کشورهای دوردست می‌کردند، الان چون حس می‌کنند که قاره‌های دیگر سخت است و نخیه دلش برای خانواده‌اش تنگ می‌شود، مسیرهای کوتاه‌تر را انتخاب کرده‌اند. نکته جالب دیگری که مصاحبه‌شونده به آن اشاره کرده، این است که «بودجه دانشگاه عمده‌تا صرف پرداخت حقوق می‌شود و تقریباً هیچ پولی برای فعالیت‌های پژوهشی باقی نمی‌ماند». من استثنائاً با اینکه هیچ پولی برای فعالیت‌های پژوهشی باقی نماند موافقم. پژوهش نیاز دارد که بعد از اتمام مورد مطالعه قرار گیرد و عملیاتی شود، وقتی دوستانی که تصمیم می‌گیرند همه چیز را خودشان بلدند، دیگر پژوهی چه شستی؟ الکی منابع را هدر بدهیم که چه بشود؟ ایشان در ادامه نکته بازره‌ای را هم خاطرنشان ساختند؛ البته برای من که انسان ندیده‌بن و بی‌عاری هستم بازمه است وگرنه انسان معمولی و سالم از این خبر خنده‌اش نمی‌گردد. فرموده‌اند: «استادان به دلیل کمبود بودجه نمی‌توانند در کنفرانس‌های علمی بین‌المللی شرکت کنند؛ زیرا هزینه بلیت و ثبت‌نام بسیار بالاست». این محدودیت‌ها باعث کاهش تعاملات علمی و تأثیرگذاری جهانی دانشگاه‌ها می‌شود». یعنی استاد می‌رود به دانشگاه می‌گوید من می‌خواهم بروم فلان همایش بین‌المللی. دانشگاه می‌گوید خیلی هم عالی، به سلامت. فقط یک نکته‌ای، استاد که فکر می‌کند دانشگاه می‌خواهد پول سفرش را بدهد با اشتیاق می‌گوید چه نکته‌ای؟ دانشگاه استاد را غافلگیر می‌کند و می‌گوید نکته اینکه سوغاتی ما فراموش نشود دکتر! استاد رودست می‌خورد و با ناراحتی می‌گوید همین؟ چیز دیگری نمی‌خواستید بگویند؟ دانشگاه می‌گوید چرا، اگر امکان‌ش هست کوتنی نایکی سوغاتی بیاورید، بنده عکسش را هم در پرتابل اساتید آپلود می‌کنم! استاد، سرخورده و ناامید می‌گوید: ولی من فکر می‌کردم هزینه سفرم را شما می‌دهید. دانشگاه می‌گوید: ساده‌ای دکتر. پولمان کجا بود؟ ولسی اگر مایل باشید می‌توانیم اخراج‌تان کنیم، بعد شما اپلای کنید عرستان! بروید عشق و حال و تحقیق و پژوهش! ها؟ نظرت چیه؟ بنظم مهرش رو؟ استاد رنجیده و آزرده‌خاطر از دانشگاه بیرون می‌رود. به این فکر می‌کند که اگر به جای کار آکادمیک، در بیان پرتقال تامسون می‌کشت یا نزار را آب می‌داد، فایده‌اش بیشتر بود.



شهرهای ساری و بابل با وجود ده‌ها بنای کهن و بافت‌های تاریخی ارزشمند، سال‌هاست با بی‌توجهی و نبود مرمت مناسب دست‌وپنجه نرم می‌کنند. کارشناسان میراث فرهنگی معتقدند حفظ این بناها نیازمند اقدام فوری و توجه جدی‌تر مسئولان است تا مانع از بین رفتن چهره سنتی و تاریخی این شهرها شود. از مکان‌های تاریخی ساری محله ۱۳ پج‌خانه کلبادی، مسجد جامع ساری و از مکان‌های تاریخی بابل می‌توان به پنجشنبه‌بازار قدیمی، محله گلش، برج دیدبانی بابل و پل تاریخی محمدحسن‌خان اشاره کرد. عکس: امیرعلی خواجه‌وندی، باشگاه خبرنگاران جوان

آموزش‌خوانی

رایگان بودن تحصیل تا دیلیم: قانون اساسی یا سیاست اجرایی؟

مجیدطهرانیان*

۱. وضعیت جهانی؛ چه کشورهایی قانونا تحصیل تا دیلیم را رایگان می‌دانند؟

براساس گزارش یونسکو، فقط حدود ۹۹ کشور در دنیا در قانون خود (عمده‌تا قانون اساسی) تصریح کرده‌اند که حداقل ۱۲ سال تحصیل رایگان فراهم می‌کنند. داده‌های شبکه INEE نشان می‌دهد که در مجموع حدود ۱۴۹ کشور «حق آموزش» را در قانون اساسی ذکر کرده‌اند. اما گستره پوشش رایگان تا دیلیم کمتر است. در عین حال، ۱۶۱ کشور از طریق قوانین عادی یا سیاست‌های اجرایی (نه الزاماً قانون اساسی) آموزش رایگان تا پایان متوسطه را تضمین کرده‌اند. از نظر پراکندگی قاره‌ای، اروپا و آمریکای شمالی بالاترین سهم را در کشورهایی دارند که تحصیل اجباری و رایگان تا پایان متوسطه را در قانون یا اجرا تضمین کرده‌اند. در آسیا-پاسفیک، درصد کشورهایی که چنین تعهدی را در قانون اساسی خود دارند پایین‌تر است، هرچند در برخی موارد این حق از طریق سیاست‌های اجرایی عملی می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در خاورمیانه و آفریقا، اغلب با این حق در قانون اساسی تصریح نشده یا منابع اجرایی کافی برای تحقق آن وجود ندارد.

۲. وضعیت ایران؛ واقعیتی دشوار در مدرسه‌های ایرانی

در ایران، اصل ۳۰ قانون اساسی دولت را موظف کرده است که آموزش رایگان تا پایان متوسطه را فراهم کند. با این حال، به دلیل محدودیت شدید منابع، اجرای واقعی این اصل با چالش‌های جدی روبه‌رو است. ایران بیش از صد هزار مدرسه دارد و بسیاری از این مدارس با مشکلات جدی نگهداشت، کمبود تجهیزات و حتی ایمنی روبه‌رو هستند. ممنوعیت گرفتن هرگونه وجه از والدین برای تامین نیازهای پایه، بدون ارائه منابع جایگزین، مدیران مدارس را در شرایط دشواری قرار داده است. آنها با باید مدرسه را بدون استانداردهای حداقلی اداره کنند یا به روش‌های غیررسمی و گاه غیرشفاف کمک بگیرند که منجر به تبعیض پنهان بین دانش‌آموزان می‌شود. نتیجه این روند آن است که «رایگان‌بودن در قانون» در عمل به آموزش کم‌کیفیت و نابرابر تبدیل می‌شود. در حالی که فلسفه وجودی اصل ۳۰ سازگویی از همین وضعیت است؛ چگونه رایگان‌بودن را با تحلیل و پیشنهاد سیاستی؛ چگونه رایگان‌بودن را با کیفیت پیوند دهیم؟

بسیاری از کشورهای، به‌ویژه در اروپا، از مدلی استفاده کرده‌اند که شهریه مدارس دولتی را صفر نگه می‌دارد، اما برای خدمات جانبی مانند کتاب، برنامه‌های فوق‌برنامه یا امکانات ویژه، سازوکار شفاف و داوطلبانه مشارکت والدین را تعریف کرده‌اند. این مدل، کیفیت را حفظ می‌کند و در عین حال عدالت را رعایت می‌کند.

پیشنهاد‌های اجرایی برای ایران

- ابلاغ یا اصلاح مقررات برای «شهریه صفر» در مدارس دولتی، با تعریف دقیق مصادیق هزینه‌های ممنوع و مجاز

- ایجاد چارچوب شفاف برای کمک‌های داوطلبانه والدین، شامل سقف مشخص، گزارش عمومی و ممنوعیت اجبار

- اختصاص منابع پایدار مانند درصدی از مالیات‌های خاص به صندوق ملی نگهداشت و تجهیز مدارس

- تعریف فرمول مشخص برای تقسیم هزینه‌های جاری و عمرانی بین دولت مرکزی، استان‌ها و شهرداری‌ها، مشابه الگوی ژاپن

- اتصال تخصیص بودجه به تحقق استانداردهای کیفیت، تا رایگان‌بودن به معنای بی‌کیفیت‌بودن نباشد.

جمع‌بندی

درحالی‌که ۹۹ کشور تحصیل تا دیلیم را به صورت قانونی تضمین کرده‌اند و بیش از ۱۶۱ کشور از طریق سیاست‌های اجرایی این کار را انجام می‌دهند، ایران از نظر قانونی در گروه نخست است اما از نظر اجرایی با کمبود منابع جدی روبه‌روست. هماهنگی بین تکلیف قانونی و واقعیت اجرایی، نیازمند ایجاد منابع پایدار، چارچوب شفاف کمک‌های مردمی و نظارت بر کیفیت است. فقط با چنین ترکیبی می‌توان اصل ۳۰ را از یک «حق روی کاغذ» به یک واقعیت عادلانه و با کیفیت در مدارس کشور تبدیل کرد.

◀ **کارشناس آموزشی و مدیرکل اسبق مدارس غیردولتی کشور**